



ویژه‌نامه ارتحال ملکوتی آیت‌الله مهدوی‌کنی

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام
۱ آبان ۱۳۹۳ | ۲۸ ذی القعده | ۱۴۳۵ شماره ۳۰

عالیم دینی، سیاستمدار صادق، انقلابی صریح

بسم الله الرحمن الرحيم
با تأسف و تأثر اطلاع یافتیم که عالم مجاهد
و پارسا حضرت آیت الله آقای حاج شیخ
محمد رضا مهدوی کنی رضوان الله عليه دار
فانی را وداع گفته و دوستان و ارادتمندان
خود را داغدار کرده است. این عالم بزرگوار
از جملهی نخستین مبارزان راه دشوار
انقلاب و از چهرههای اثرگذار و یاران صمیمی نظام
جمهوری اسلامی و از وفاداران غیور و صادق امام
بزرگوار بود و در همهی عرصههای مهم کشور در
دوران انقلاب شجاعانه و با صراحة تمام نقش آفرینی
کرد. از عضویت در شورای انقلاب و سپس تشکیل
کمیتههای انقلاب در آغاز تأسیس نظام اسلامی تا
تصدی وزارت کشور و سپس قبول نخست وزیری
در یکی از سخت ترین دورانهای جمهوری اسلامی،
و تا ورود در عرصهی تولید علم و تربیت جوانان
صالح و تأسیس دانشگاه امام صادق(علیه السلام) و تا
امامت جمیع تهران و سرانجام ریاست مجلس خبرگان،
همه جا و همه وقت در موضع یک عالم دینی و یک
سیاستمدار صادق و یک انقلابی صریح ظاهر شد
و هرگز ملاحظات شخصی و انگیزههای جناحی و
قیلیهئی را به حیطهی فعالیتهای گستره و اثرگذار
خود نداد. این انسان بزرگ و پرهیزگار، همهی وزن
وزین خود را در همهی حوادث این دهها سال در
کفه حق و حقیقت نهاد و در دفاع از راه و سیره
انقلاب و نظام، کوتاهی نورزید. رحمت و رضوان الله
به اوان یاک او باد.

اینچنانب به خاندان گرامی و برادر عالیقدر ایشان، و به مردم ایران و روحانیت عظیم الشأن و همه ارادتمندان و شاگردان و دستپروردگان آن مرحوم صمیمانه تسليت می‌گوییم و علو درجات وی را از خداوند متعال مسأله می‌نماییم.



بَيْنَ وَعْدِ الْحَسِينِ وَعَلَى حَمَادَةِ الْحَسِينِ إِسْلَامُ عَلَى الْحَسِينِ وَعَلَى عَلَى الْحَسِينِ وَعَلَى حَمَادَةِ الْحَسِينِ

ماند تا با نفس گرم محرم برود...

فرمایش رهبری را نپذیرفتد، این بدان معناست که این‌ها اعتقاد دینی به ولی فقیه ندارند، و گرنه ولی فقیه فعل الخطاب است. اصلاً فلسفه رهبری همین است، که در موقع بحرانی حرف آخر را بنزد. این آقایان به رهبری، به چشم یک مقام سیاسی (که می‌شود از حکم‌شدن پس از انتخابات) می‌رسند. این انتخابات را همین پاسداشت عاشوراء و نام امام حسین عليه‌السلام است که به ما عزت بخشیده است و انقلاب ما در راستای قیام ابا عبدالله عليه‌السلام است.

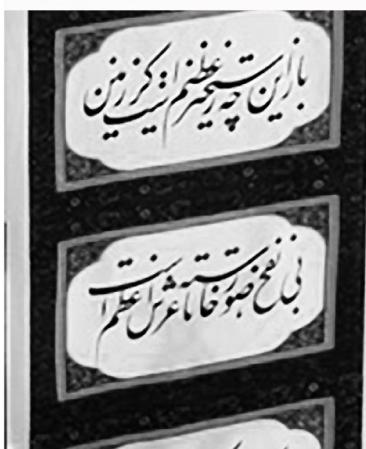
سریچی درد نکاه می کردند، به عنوان یک بیان اعتقادی و دینی». اهل جار و جنجال نبود. آرام و باطمأنیه حرف می زد و رفتار می نمود. مرد شعار نبود. مرد عمل بود؛ عمل به موقع و در لحظه. در عین انقلابی، یو دن، حکمانه بر خورد خبر صبح ۲۹ مهرماه، نه تنها بعض ما، که بعض آسمان را هم شکست.

می فرمود: «برای خدا کار کنید، نه برای پول. اگر برای خدا کار کنید، خدا خودش به حاجات و نیازهای شما آگاه است، همه چیز به شما می دهد. اما اگر برای پول کار کنید، ممکن است به همان هم نرسید».

همین پاسداشت عاشوراء و نام
امام حسین عليه السلام است
که به ما عزت بخشیده است و
انقلاب ما در راستای قیام
اباعبدالله عليه السلام است

سریچی کرد) نگاه می کردند، نه به عنوان یک بنیان اعتقادی و دینی».

اهل جار و جنجال بود. آرام و باطمأنیه حرف می زد و رفتار می نمود. مرد شعار نبود. مرد عمل بود؛ عمل به موقع و در لحظه. در عین انقلابی، بودن، حکمانه پر خورد



صدیق انقلاب اسلامی، زندگی خود را وقف فرهیختن و تربیت کارگزاران نظام اسلامی کرد. اری، ما امروز عزادار از دست دادن یک شخصیت فرهنگی هستیم.

برای شادی روحش، تداوم
راهش و آینده دانشگاه امام
صادق علیه السلام دعا کنید!

همیت فرهنگ تاکید کرد.
گویند روزی وقتی از تصمیم
بکی از اعضا شورای عالی
نقلا布 فرهنگی برای نامزدی
نتخابات میان دوره‌ای مطلع
شد، چنان برآشفت که دیگران
لگران سلامتی او شدند. آری،
و اهل فرهنگ بود.

وچ از قدرت کناره‌گیری کرد و
به حوزه فرهنگ پیوست. البته
هممیشه تاکید می‌کرد: امام
ما یاد داده آخوند سیاسی
لاشیم! و هممیشه هم در عرصه
سیاست، نقش آفرین بود، هر
چند خودش را درگیر امور
جرایی دولتی نمی‌کرد.
و به فرهنگ پیوست و به اداره
حوزه علمیه مروی و دانشگاه
سلامی امام صادق علیه‌السلام
نشغول شد و با این سیره
خود، بیش از هر چیز بر

فقی آیت‌الله مصطفوی رفت،
مکر کردم که چقدر از برکت
وجود ایشان استفاده کردم؟
علمای اسلام که در دسترس
با یهدند.

ر. قتی پیامک ارتحال آیت الله
مهبدوی کنی آمد، با خودم
نقفتمن: نه! می خواستم باور
کنم، نشد.

یت الله محمد رضا مهدوی
نی وقتی تو ای ای خود را
بر مناصب سیاسی اجتماعی
کشور داری به اثبات رساند، در

ما رفتنی هستیم ولی انقلاب و اسلام از میان رفتنی نیست!

در راه تشکیل آن باید سختی ها و شکنجه ها متتحمل شد- در میان باشد وجه دیگری از اخلاق مهدوی نمایان می شود که دافعه ای سخت قدر تمند است و این گونه است که طور مثال زمانی که از تکرار مشروطه با زیر سوال بردن ولایت احساس خطر شود، جدی باید به میدان آمد. «دوره هفتم ریاست جمهوری {سال ۷۶} احساس خطر می کردم و جدی هم به میدان آمده رفتم، چون واقعا احساس خطر می کردم.»
حالات آیت الله مهدوی کنی (ره)،
نتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی،
ص ۳۶۷) و یا در سال ۸۸ به درخواست حکمیت اهل فتنه دست رد زده می شود و
از همین روست که دشمن از رفتن چنین عالمی خوشحال می شود. اما کور خوانده اند که خود ایشان فرمودند: «این که بعضی ها گمان می کنند انقلاب از بین رفت، اسلام رفت، این گونه نیست؛ ما رفتنی هستیم لعلی، انقلاب و اسلام از میان رفتنی نیست.»

در راه تشکیل آن باید سختی‌ها و شکنجه‌ها متتحمل شد—در میان باشد و وجه دیگری از «اخلاق مهدوی» نمایان می‌شود که دافعه‌ای سخت قدرتمند است و این گونه است که به طور مثال زمانی که از تکرار مشروطه یا زیر سوال بردن ولایت احساس خطر شود، جدی باید به میدان آمد. «دوره هفتم ریاست جمهوری» سال ۷۶ احساس خطر می‌کرد و جدی هم به میدان آمده بودم. حتی من راه افتادم و به بعضی شهرها رفتم، چون واقعاً احساس خطر می‌کردم. (خاطرات آیت الله مهدوی کنی (ره)، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۳۶۷) و یا در سال ۸۸ به درخواست حکمیت اهل فتنه دست رد زده می‌شود و از همین روست که دشمن از رفتن چنین

دردها هم ارادت خواهیم داشت به ایشان» صحیفه امام، جلد ۱۵: ص ۱۲۴)

ما برای اینکه انسان «مهدوی» بشود، ر کنار این جاذبه‌ی شورانگیز، دافعه‌ی برومندی هم لازم است. امام سجاد علیه السلام در دعای چهل و چهارم صحیفه درخواست‌هایی که از خدای متعال دارند می‌فرمایند: «و آن نسالم من عادانا» یعنی «پروردگارا از تو می‌خواهیم که با همه‌ی دشمنان خودمان صلح کنیم و مدارا پیشه کنیم». اما بعد بالا فاصله می‌فرمایند: «حاشا من عدوی فیک و لک فینه

جاذبه‌ی نیرومند و
وسعی این استاد اخلاق،
قطعه اتصالی است بین
همه‌ی سلایق موجود
در دایرۀ نظام اسلامی

العدو الذى نصافيه يعني تو با او دشمن که هرگز با آری، اگر پایین استاد اخلاق، نقطه اتصالی است بين همهی سلایق موجود در دایرهی نظام سلامی و البته این چه جای تعجب است که امام به ایشان فرمود: «ما از سابق ایشان را برادرت داشتیم و حالا هم ارادت داریم و

على عليه السلام فرموده: «هَلَّكَ حُرَّانُ
الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءٌ وَ الْعَالَمُاءُ بِاقُونَ مَا بَقَى
الدَّهْرُ، أَعْنَاثُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ اثْنَاثُهُمْ فِي الْقُلُوبِ
مَوْجُودَةٌ».»

گردآورندگان دارایی‌ها در همان حال
که زنده‌اند مرده‌اند و دانشمندان (علمای
ربانی) پایدارند تا روزگار پایدار است.
جسم‌های آن‌ها گم‌شده است اما نقش‌های
آن‌ها بر صفحه دل‌ها موجود است. (ترجمه
از شهید مطهری مجموعه آثار، ج ۱۶، ص:
۲۳۹)



فقیهی در میان مردم

گفت و گو با دکتر ابراهیم فیاض

...蜀汉四百四...



ویژگی شخصیتی آیت الله مهدوی کنی در گفتگوی کوتاه با دکتر علی باقری

رہبری چہ طور؟

در رابطه با حضرت آقا هم ایشان به شدت دفاع کننده بود. می‌گفتند حتی در خانه اگر یک نفر به شوخی به آقا حرفی می‌زد، ایشان بجهش پرخاش می‌کرد.

خطرهای از ایشان دارید که قابل ذکر باشد؟

سال شصت و زمانی که شهید رجایی شهید شده بود، آمده بودند کازرون و دیدیمش. دست به گردنش می‌انداختیم و می‌بوسیدیمش و ایشان داد می‌زد: عمامه‌ام را نیندزارید. اوج جنگ‌های مسلحانه منافقین بود. حالا خیلی از آن بچه‌ها شهید شده‌اند. خلاصه به هیچ وجه با ایشان احساس فاصله نمی‌کردیم.

کمی هم در مورد شخصیت علمی ایشان توضیح دهید؟ ایشان فقه محور بود، ولی نه این که در ایشان رکود باشد. به شدت فقیه نوآوری بود. من بارها امتحان کردم، ایشان خیلی از بحث علمی خوش می‌آمد. انسان متفرکری بود. بسیاری از مسائیلی که در تفسیر قرآنش است، تفکر خودش است. ذهنیت‌های مهمی در رابطه با فقه، قرآن، و اخلاق داشت. بسته نبود. خیلی باز بود. همه‌اش هم به خاطر آزادگرانی امام و علامه بود که بر رویش، تاثیر گذاشتند.

از حاج آقا برایمان بگویید؟

نسان سلیم النفسی بود، یعنی به خاطر این که شاگرد آقای برهان بود، اولین حرکتشان عرفانشان بود. همیشه کارشان مبارزه با نفس بود. تا می‌آمد جدی بشود شوخی می‌کرد، یعنی این که به خودش بگوید: من آیت الله هستم و ... این‌ها را می‌شکست و همیشه هم بخندید بر لش بود.

رباطه‌شان با دانشجویان چه طور بود؟
هیچ وقت خودش را یک آدم پیرمرد ندید.
این اواخر را که کسالت داشتند نگاه نکنید.
همیشه با جوان‌ها بود و با دانشجوها محشور
بود و کل می‌کرد. فقیه بود، ولی مردمی
بود. یعنی می‌گفت نخبه‌گرایی در آخوند
نیست. آخوند باید مردمی
باشد.

فقیه بود، ولی مردمی بود. یعنی می‌گفت نخبه‌گرایی در آخوند نیست. آخوند باید مردمی باشد

رابطه‌شان با امام و رهبری
چه طور بود؟
مرید خاص حضرت امام
بودند و شب‌های قدر
بلاستنا یاد امام می‌کردند.
دو شخصیت علمی که
ییشان را بسط داده بودند، یکی
یک علامه طباطبائی و آقای بر
شخصیتی اول ییشان بود.
همیشه بین امام و علامه جمع
گنج، گفت جامعه الحقین:

آخوند سپاںی بودند!

چند ویژگی بارز در شخصیت ایشان قابل مشاهده بود. اول این که ایشان در مسیر انقلاب، پیشو ا و مبتکر بودند. یکی از ابداعات ایشان ورود روحانیت به عرصه اجرایی کشور بود. ایشان زمانی که مسئول کمیته انقلاب اسلامی شدند، توانستند از روحانیت در سراسر کشور استفاده کنند. ابتکار دیگر ایشان تاسیس دانشگاه بود. زمانی که خیلی‌ها حرف تلفیق حوزه و دانشگاه را می‌دلد، ایشان عملایا، کار استناد.

خصوصیت دیگر ایشان مورد وفاق بودن است. برخی این را تعبیر انحرافی می‌کنند که ایشان انسان معتدل و میانه‌ای بوده‌اند، نه این طرف، نه آن طرف، در حالی که آیت‌الله مهدوی اصول‌گرا بودند، به معنای پایینیده بر اصول خود. در واقع اخلاص حاصل از تقدیم ایشان، باعث می‌شد همه بدانند که آیت‌الله مهدوی بر روی مبنای کار می‌کنند و به کسی نارو نمی‌زنند.

نه کته آخر این که آیت الله مهدوی یک آخوند سیاسی بودند - تاکید دارم که بگوییم آخوند سیاسی، نه روحانی سیاسی - یعنی در عین حالی که به قول امروزی‌ها آخوند سنتی‌ای بودند، آدم سیاست‌مداری بودند، قبل از انقلاب و بعد از انقلاب. ایشان از محدود افرادی هستند که هیچ گاه مبانی دینی، ایشان را از حضور در میادین سیاسی باز نداشت و هیچ گاه هم به سیاسی‌گر نیفتادند و در واقع، ایشان تجسم عینی «دیانت ما عین سیاست ماست» بودند.

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى الْأَكْمَانِ، وَعَلَى أَصْدَافِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَعَلَى عَيْنَيْهِ، وَعَلَى أَفْلَامِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى أَصْدَافِ الْحُسَيْنِ

ستاد اما استادی نبود که شاگرد خود را نشناشد. «ماز سابق به ایشان ارادت داشتیم و حالا هم ارادت داریم و بعدها هم ارادت خواهیم داشت.» امام خویی ها این گونه وصف یار دیرین خواهند بودند.

ما شاگرد خوب کسی است که در
نبود استاد هم راه او را بفهمد و خط
شی وی را ادامه دهد. آیت الله
مهدوی کنی خط مرادش را بعد از پر
کشیدن او از این عالم خاکی این گونه
معرفی کرد «کچ روی از راه رهبری
گم کردن راه امام است».

برای طلبه‌ی جوان درس بود و امام هم همچون با غبانی مهریان مواظیب داشت.

طبیعتی جوان حالا دیگر مسیر مبارزه را هم با امامش طی می کرد. مسیری که پر باز از ندان و شکنجه و تبعید. روزهای سخت مبارزه گر چه سخت گذشت ولی گذشت. حال حاج آقا شاگرد قدیمی حلا باید بیش از پیش به یاری استاد می شتافت و باری از روی دوش او بر می داشت. در پیچ و خم آن روزهای انقلاب بود که عده‌ای از روی جهل و برخی هم به سبب بی تقدیم اسلام این شاگرد امام اسلام آمر بکای خواندند.

سال ۱۳۲۷ یکی از دوستانشان امام را در حیاط مدرسه‌ی فیضیه به او نشان می‌دهد و می‌گریدند: برو سوال‌هایت را از ایشان بپرس.

سوال‌های آن روز نخستین آشتیانی
جوانی جویای حقیقت با امام بود.
جوانی که مسال‌ها بعد، وققی که دیگر
خیلی جوان نبود نخست وزیر امام

بعد از گفتگوی آن روز، طلبه‌ی جوان شد شاگرد ثابت درس امام شیرینی عرفان امام را در درس‌های ایشان چشید. امارابطه‌ی او با مام تهمارابطه استاد و شاگرد نبود؛ رابطه‌ی مرید بود با مراد خویش. روزهای پردن با امام و مشاهده‌ی فرتار ایشان لحظه‌لحظه‌اش

نخست وزیر امام



برگی از زندگی حاج ملا علی کنی، اسوه‌ی آیت‌الله مهدوی کنی
پدر محمد رضا از حمامه‌های حاج ملا علی آ
برایش می‌گفت، گویی پدر و پسر با هم به نظر
تاریخ مم نشستند:

مستر کوت^۱ انگلیسی از
تلن به ایران آمده بود.
سدر اعظم ناصرالدین شاه،
بیرزا حسین خان سپهسالار
خود را برای مذاکره آماده
کرد. مذاکرات، زیر
نظر ناصرالدین شاه، به
متیازنامه‌ای استعماری رویتر
چایمید که بر اساس آن
حصار احداث راه آهن و
هربرداری از کلیه معادن

جنگل‌ها و احداث قبات‌ها و اداره‌ی گمرک به یک هودی انگلیسی به نام رویتر واگذار می‌شد. اصرالدین شاه که از نتیجه مذاکرات به جای تأسف وق زده شده بود، نامه‌ی تقدیرآمیزی در وصف پیپه‌سالار خود نوشت: «انشاء الله تعالى (اگر) این نار را خوب انجام بدهید، خدمتی به دین و دولت برداید که مافوق ندارد». انگار ناصرالدین شاه مستعمره کردن ایران را بزرگترین خدمت به دین داشت می‌دانست و به امید بهتر چرخیدن چرخ شور دست در دست بیگانگان گذاشته بود. حاج ملاعلی کنی (رئیس المجتهدین) شیردلانه

حاج ملا علی مثل ورود
مستعمران به کشور را مثل آن
اگر چه فیلی می‌دانست که اگر
نسان آن را به خانه راه دهد،
بس از این که بزرگ شد، برای
یرون کردنش باید خانه را
خراب کندا!

سال‌ها از تاریخ‌گردی‌های محمد رضا و پدرش می‌گذرد اما او هنوز حمامه‌های حاج ملا علی کنی را در خاطر دارد و توانسته است که



اما مراد خود امام خمینی (ره) به آرزو حاج ملا علی نیز بوده، برسد. آیت مهدوی کنی هنوز هم عاشق حاج ملا کار اسوه‌ی خود را در لغو قرارداد ز قیام تحریرم تباکوی میرزا شیر در تمام این سال‌ها حاج ملا علی ببارزات خود قرار داده تا نگذارده است استعمار شود. آیت الله مهدوی کرده است تا او را در کار قبر این عالم عبدالعظیم حسنی دفن کنند تا در هنر فقلابی به دیدار معبد خود بنشتابد.

لِسَّا لِدُعْيَ الْحَسَنِ وَدُعْيَ الْجَيْشِ

ویژه نامه ارتحال ملکوتی حضرت آیت الله مهدوی کنی (ره)

ساهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

دیریستول: سید محمدحسین هاشمی گلپایگانی / **جانشین مدیرسئول:** محمدمحسن فیضی پور
ردبیر: محمد اصغری / **تحریریه:** حمید درویشی شاهکلایی، علی خوشیدی، علی رزم آرا، محسن
موھری، محمد قائمی راد، محمدعلى فاضن، علیرضا مهدویان، احسان ملانوری، محمدرضا کوهکن،
محمد خداشناس / **راتشک از:** سیچ علم، فرهنگ و ارتباطات

بیکار اطلاع رسانی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام
رغمای نشریه حیات
hayat.basijisu.com
hayatmag.jsu@gmail.com

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام در پی رحلت یار دیرین امام و رهبری و پدر معنوی دانشجویان، پیام تسلیتی صادر کرد. در بخشی از این پیام آمده است:

حضرت آیت الله مهدوی کنی، آن یار دیرین امام و پدر معنوی دانشجویان بسیجی دانشگاه امام صادق علیه السلام به لقاء الله پیوست. آن مجاهد نستوه که در کوران مبارزات طاقت‌فرسای انقلاب با تکیه بر معرفت عمیق اسلامی و در نور ایمان به خداوند یاری گر دین خدا بود و در این راه موج سختی‌ها و لطمات و تهمت‌ها از سد صیرشان عبور نکرد و همواره در سنگر سربازی ولی زمان ایستادگی کردند و شهادت‌طلبی را بر راحت‌طلبی ترجیح داده و لحظه‌ای از جهاد فی سبیل الله باز نایستادن. آیت الله مهدوی کنی بی شک استمرار مکتب فقهی فقهای گذشته و در عرصه‌ی سیاست نیز تابع اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) بود.

متن کامل پیام را می توانید در پایگاه اینترنتی [بسیج
دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام](http://main.basijisu.com) به نشانی main.basijisu.com بباید.